



آن سوتر از چهارراه اناری؛ یادی از دیوار جدانشدنی



داشته باشند.» اگر چه اکنون هیچ نشانی از بنای یخچال باقی نمانده، اما یخچال سلسبیل چنان برای اهالی محله پراهمیت بود که هنوز جزئیات بنای آن را به خاطر دارند. امینی می‌گوید: «مای بیرونی سقف یخچال با آجر خشتی ساخته شده بود. در ضلع جنوب یخچال هم راه پله‌ای برای لایه‌های زیرین یخ‌های انباشته شده تعبیه کرده بودند. تابستان‌ها فروشنده‌گان یخ، از راه پله پایین می‌رفتند و با حصیر یخ‌ها را جدا کرده و به مشتری‌ها می‌فروختند. یخ این یخچال سه‌مهم اهالی محله‌های دیگر هم می‌شد. یخ‌فروش‌ها گونی‌های پر از یخ را بار الاغ می‌کردند و در محله‌های اطراف می‌فروختند.»

اکنون ساختمان کانون سلمان که درست در محل یخچال سلسبیل ساخته شده، برای قدیمی‌های محله یادآور خاطرات آن یخچال قدیمی است. یخچال سلسبیل در دوران پهلوی دوم تخریب شد و جای خود را به کاخ جوانان داد. کاخ‌های جوانان که ابتدا در تهران و سپس در چند شهرستان دیگر تاسیس شدند با امکاناتی چون کلاس‌های آموزش زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی و نیز اماکن ورزشی محلی برای پر کردن اوقات فراغت جوانان ساخته شدند. کاخ جوانان محله سلسبیل که جایگزین یخچال این محله شد، شعبه غربی کاخ جوانان در تهران به شمار می‌رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیلی کاخ‌های جوانان، اکنون در همین نقطه که روزگاری یخچال قدیمی سلسبیل قرار داشت، کانون سلمان فارسی با انبوهی از خدمات و امکانات آموزشی، تحصیلی، ورزشی، فرهنگی و... در اختیار جوانان و دانش‌آموزان محله سلسبیل قرار گرفته است.

موضوع: یخچال تاریخی محله
ویژگی: تأمین یخ مورد نیاز اهالی سلسبیل و محله‌های همجوار

آب انبار چهل پله و یخچال سلسبیل مثل دیوار جدانشدنی بودند. آب انبار، آب شرب مورد نیاز اهالی را ذخیره می‌کرد و یخچال نیز در طول زمستان یخ مورد نیاز آنها را ذخیره می‌کرد تا در تابستان‌های داغ تهران آب خنک برای نوشیدن داشته باشند. یخچال سلسبیل کمی آن سوتر از چهارراه اناری و درست در محلی که بعدها کانون سلمان ساخته شد، واقع شده بود. اگر چه اکنون دیگر نشانی از بنای یخچال سلسبیل باقی نمانده، اما نام یخچال هنوز از زبان قدیمی‌های محله شنیده می‌شود. آنها طوری که انگار هنوز آن یخچال خاطره‌انگیز وجود دارد، خیابان سلمان فارسی را خیابان یخچال می‌نامند و هر گاه از این خیابان گذر کنند برای جوان‌ترها از داستان‌های آن یخچال کهن تعریف می‌کنند. سیدرسول امینی، از مشقت‌های تهیه و نگهداری یخ در یخچال سلسبیل می‌گوید: «در محوطه یخچال، حوضچه‌هایی به عمق نیم متر وجود داشت. شب‌های زمستان این حوضچه‌ها را با آب گوارای چشمه فرمانفرمایان پر می‌کردند تا صبح که آب در حوضچه‌های تشنگی شکل یخ بست، یخ‌ها را تکه تکه کرده و در گودال عمیقی که در ضلع شمال یخچال حفر شده بود روی هم انبار کنند. چند هفته‌ای این کار در سردترین روزهای زمستان انجام می‌شد تا گودال یخچال پر از تکه‌های بزرگ یخ شود. تابستان که از راه می‌رسید، یخچال را بازمی‌کردند تا در گرم‌ترین روزهای سال آب خنک و گوارا برای نوشیدن

پرسه در خاطرات آب انبار چهل پله



و جلوه‌ای متفاوت به محله می‌داد. آن را با سنگ، آجر و ساروج ساخته و برای دسترسی به مخزن آب انبار هم چهل پله تعبیه کرده بودند. سردر آب انبار که کتیبه، کاشیکاری و سکوهای در دو طرف داشت رو به خیابان بود و با پایین رفتن از چهل پله می‌شد از آب مخزن برای شرب استفاده کرد؛ همان محلی که اکنون جای خود را به خانه‌ها و مغازه‌ها داده است.» همان روزها که آب شرب مورد نیاز اهالی سلسبیل پیش از ورود آب لوله‌کشی با ذخیره آب چشمه فرمانفرمایان در آب انبار چهل پله تأمین می‌شد، چراغ شماری از خانه‌های محله نیز از طریق کابل‌هایی که یک سر آن به شرکت برق فروزان می‌رسید روشن بود. حسن توانا، از اهالی قدیمی محله سلسبیل، درباره ماجرای ورود برق به سلسبیل می‌گوید: «محلی که امروز به میدان میوه و تره‌بار کارون تبدیل شده و اهالی محله برای تأمین مایحتاج روزانه خود به آن مراجعه می‌کنند، یکی از مهم‌ترین اماکن محله بود. در این نقطه از محله ساختمانی وجود داشت که برق مورد نیاز شماری از خانه‌ها و اماکن محله ما را تأمین می‌کرد. شرکت برق فروزان، یک کارخانه برق خصوصی بود و هر کدام از اهالی محله که وسعش می‌رسید با کابل‌کشی از این کارخانه برق چراغ خانه‌اش را روشن می‌کرد. آن روزها بیشتر اهالی سلسبیل از چراغ نفتی برای تأمین روشنایی خانه‌های خود استفاده می‌کردند و بعدها که برق دولتی از راه رسید، شرکت برق فروزان هم به تدریج از رونق افتاد.»

موضوع: آب انبار چشمه فرمانفرمایان و شرکت برق فروزان
ویژگی: آب گوارای چشمه فرمانفرمایان در این آب انبار ذخیره می‌شد

کوچه آب انبار برای اهالی قدیمی محله سلسبیل، مثل تونل زمان، آنها را با خود به روزگار گذشته می‌برد؛ همان روزها که هنوز خبری از آب لوله‌کشی نبود و اهالی محله، تابستان‌های داغ تهران را با تهیه آب شرب از آب انبار چهل پله سپری می‌کردند. اکنون دیگر خبری از آن آب انبار خاطره‌انگیز نیست و نام کوچه آب انبار روی تابلوی شهرداری، مغازه‌ها و خانه‌های سرسره‌کوچه که جایگزین بنای آجری آب انبار شده‌اند، تنها یادگار برجامانده از آن آب انبار معروف است. محلی که روزگاری ورودی آب انبار بود، اکنون سال‌هاست که به مغازه تعمیرات جاروبرقی تبدیل شده است. با وجود این، ماجراهای آب انبار چهل پله و ورود آب لوله‌کشی به محله که حکم گام نخست برای تخریب آب انبار بود، هنوز در خاطره اهالی محله زنده است.

سیدرسول امینی، یکی از اهالی قدیمی سلسبیل، در این باره می‌گوید: «آب انبار مکانی بود که پیش از آنکه خبری از آب لوله‌کشی باشد آن را با آب باران و نهرها پر می‌کردند تا در طول سال آب شرب مورد نیاز مردم تأمین شود. آب انبار چهل پله سلسبیل اما با آب چشمه فرمانفرمایان که از دل محله می‌گذشت تأمین می‌شد. این آب انبار، معماری خاصی هم داشت

پاتوق تابستانه شازده‌های قاجار

موضوع: باغ‌های محله
ویژگی: تأمین میوه و محصولات باغی مورد نیاز مردم

محدوده غرب تهران در سال‌های آخر حضور قاجارها در قدرت، به دلیل وجود باغ‌های خوش آب‌وهوا و پر محصول، پاتوق شازده‌های قجری بود. از دل همین باغ‌های پر تعداد بود که به مرور زمان محله سلسبیل که روزی به باغ‌های اناری‌اش می‌باید، شکل گرفت. حسنعلی صدقی توانا، از اهالی قدیمی این محله می‌گوید: «کل محله سلسبیل در ابتدا فقط باغ بود؛ برای مثال، در چهارراه وثوق سابق (امام خمینی (ره) فعلی) باغی بود متعلق به وثوق الدوله، از شازده‌های قاجاری که تا سال‌ها در این باغ زندگی می‌کردند یا برای تفریح و بیلاق با قوم و خویش‌ها ایشان به آنجا می‌آمدند. در خیابان کمیل امروزی که در گذشته شاه‌رخ نام داشت و به سه قسمت تقسیم شده بود، باغ‌های انار از هر رهگذری دلبری می‌کرد. معروف‌ترین باغ اناری این محدوده در تقاطع خیابان کمیل با خیابان سلسبیل که امروز پمپ بنزین در آن واقع شده خودنمایی

می‌کرد. همچنین در محدوده سه‌راه اکبر آباد و بزرگراه نواب که زمانی به محله نواب شهرت داشت باغ‌های انار دیوار به دیوار ردیف شده بودند و یکی از این باغ‌ها متعلق به حاج حسین از وابستگان دربار قاجار بود.» توانا در ادامه از باغ سلامت در همین محدوده یاد می‌کند و می‌گوید: «در غرب محله سلسبیل که امروز شامل خیابان‌های قصرالدشت، کمیل و کارون می‌شود باغی بود به نام سلامت که حتی ناصرالدین شاه هم در میان خاطر آتش به آن و تفریحات بیلاقی شاهانه در سایه‌سارش به همراه اهل دربار و خاندان قاجار اشاره کرده است. باغ‌شاه که در دوره پهلوی تبدیل به یادگان نظامی شد و به مرور زمان در دوران پهلوی دوم زمین‌هایش قطعه قطعه و تبدیل به محله‌های مختلف شد نیز از دیگر باغ‌های محدوده سلسبیل به شمار می‌رود.» به گفته حسنعلی صدقی توانا بخشی از زمین‌های محله سلسبیل هم که در ادامه اراضی طرشت و املاک مظفری بودند برای صیفی‌کاری در نظر گرفته شده یا زیر کشت گندم و جو رفته بودند و محصولاتشان به روستاهای کن، سولقان، طرشت و سایر محله‌های شهر تهران می‌رسید.

